

اللباب فى (٥٠) حديثاً من أحاديث الآداب

در (٥٠) حديث از أحاديث آداب

تأليف:

خالد بن عبدالرحمن العسكر

ترجمه:

إسحاق بن عبدالله دبيري العوضى

چاپ اول

١٣٨٥/١٤٢٧هـ

فهرست مطالب

ص	موضوع	ص	موضوع
١٩	حديث شماره (٢٦)	٥	حديث شماره (١)
١٩	حديث شماره (٢٧)	٥	حديث شماره (٢)
١٩	حديث شماره (٢٨)	٦	حديث شماره (٣)
٢٠	حديث شماره (٢٩)	٦	حديث شماره (٤)
٢٠	حديث شماره (٣٠)	٧	حديث شماره (٥)
٢١	حديث شماره (٣١)	٧	حديث شماره (٦)
٢١	حديث شماره (٣٢)	٨	حديث شماره (٧)
٢٢	حديث شماره (٣٣)	٨	حديث شماره (٨)
٢٣	حديث شماره (٣٤)	٩	حديث شماره (٩)
٢٣	حديث شماره (٣٥)	٩	حديث شماره (١٠)
٢٤	حديث شماره (٣٦)	١٠	حديث شماره (١١)
٢٥	حديث شماره (٣٧)	١٠	حديث شماره (١٢)
٢٥	حديث شماره (٣٨)	١١	حديث شماره (١٣)
٢٦	حديث شماره (٣٩)	١١	حديث شماره (١٤)
٢٦	حديث شماره (٤٠)	١٢	حديث شماره (١٥)
٢٧	حديث شماره (٤١)	١٣	حديث شماره (١٦)
٢٧	حديث شماره (٤٢)	١٤	حديث شماره (١٧)
٢٨	حديث شماره (٤٣)	١٥	حديث شماره (١٨)
٢٨	حديث شماره (٤٤)	١٥	حديث شماره (١٩)
٢٩	حديث شماره (٤٥)	١٥	حديث شماره (٢٠)
٢٩	حديث شماره (٤٦)	١٦	حديث شماره (٢١)
٣٠	حديث شماره (٤٧)	١٧	حديث شماره (٢٢)
٣١	حديث شماره (٤٨)	١٧	حديث شماره (٢٣)
٣١	حديث شماره (٤٩)	١٨	حديث شماره (٢٤)
٣٢	حديث شماره (٥٠)	١٨	حديث شماره (٢٥)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مترجم

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وآله وصحبه ومن والاه أما بعد:

این کتاب که (اللباب) یعنی لب و مغز هر چیز نام دارد و شامل (۵۰) حدیث از احادیث آداب است که برادر خالد بن عبدالرحمن العسکر آنرا جمع آوری کرده، ما آنرا ترجمه کردیم تا بتوان آنها را حفظ نمود، احادیث آن آسان و کوچک است و در زندگی روزمره هر انسانی بکار برده می‌شود. از خداوند خواهانم آنرا برای رضا و خشنودی خود قرار دهد، و بر ما و برادر مؤلف اجر و پاداش بسیار عطا فرماید.

وصلی الله علی نبینا محمد وآله وصحبه وسلم.

ریاض: إسحاق بن عبدالله دبیری

۱۳/۵/۱۴۲۴ هـ ۱۲/۵/۱۳۸۲ هـ

برای ارتباط با مترجم می‌توانید به آدرس زیر تماس بگیرید:

السعودية: الرياض - الرمز البريدي: (۱۱۷۵۷) ص. پ: (۱۵۰۱۰۳)

www.aqeedeh.com

es@al-islam.com

مقدمه مؤلف

الحمد لله المحمود بما له من الأسماء الحسنى، والصفات الكاملة العليا، وعلى آثارها الشاملة للأولى والأخرى. والصلاة والسلام على نبينا محمد، أجمع الخلق لكل وصف حميد، وخلق رشيد، وقول سديد، وعلى آله وأصحابه وأتباعه من جميع العبيد، وبعد:

هیچ سخن و گفتاری بعد از سخن و گفتار خدا صادق و پر نفع و فایده و در برگیرنده در خیر این دنیا و آخرت نیست، مگر سخن و گفتار رسول خدا و حبیب او محمد ﷺ، چون او آگاه‌ترین مخلوقات و ناصح‌ترین و هدایت‌کننده‌ترین و فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین و آموزنده‌ترین و بیان‌کننده‌ترین مخلوقات است.

و این رساله شامل بر پنجاه حدیث از احادیث آداب نبوی که در صحیح بخاری و مسلم آمده و مسلمان را بر اقتدا و تأسی به آن تشویق می‌کند می‌باشد، تا اینکه آداب و اخلاق و عادات او بر منهج و روش مستقیم و مسلک قویم باشد و تا اینکه مسلمان بتواند بعضی از این احادیث نبوی را حفظ نماید. تا اینکه کلیدی برای حفظ کردن غیر از آن باشد، و مقصود ما بیان و توضیح نیکی به مردم است و اینکه آنرا در مسابقه‌ها برای حفظ قرار دهند و در تعطیلات و غیره از آن در مسابقه‌ها استفاده ببرند.

از خداوند خواهانیم که این عمل را خالص برای رضا و خشنودی خود قرار دهد، و فایده آن را به همگان برساند، اوست قادر بر همه چیزها.

والحمد لله رب العالمین.

خالد بن عبدالرحمن العسکر

حديث (١)

(اینکه خدا و رسول خدا از هر چیز برای او محبوبتر باشد)

أنس بن مالك رضي الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمودند: «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا، وَأَنْ يُحِبَّ الْمَرْءَ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ، وَأَنْ يَكْرَهُ أَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُقَذَفَ فِي النَّارِ». متفق عليه^(١).

کسی که این سه خصلت را داشته باشد، شیرینی ایمان را می چشد، یکی اینکه: خدا و رسولش را از همه بیشتر دوست داشته باشد، دوم اینکه: محبتش با هر کس، بخاطر خوشنودی خدا باشد. سوم اینکه: برگشتن به سوی کفر، برایش مانند رفتن در آتش، ناگوار باشد.

حديث (٢)

(تأسی و اقتدا به سنتهای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم)

أبو هريره رضي الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمودند: «قَالَ كُلُّ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ أَبِي قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ يَا أباي قَالَ مَنْ أَطَاعَنِي دَخَلَ الْجَنَّةَ وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ أَبِي». رواه البخاري^(٢).

(١) البخاري في الإيمان رقم (١٦) ومسلم في الإيمان رقم (٤٣).

(٢) البخاري في الاعتصام رقم (٧٢٨٠).

تمامی امت من به بهشت داخل خواهند شد مگر کیسکه خود از دخول آن امتناع ورزید! گفتند: ای رسول خدا! چه کسی است که از دخول به بهشت اجتناب می‌ورزد؟ فرمودند: هر کس از من اطاعت کند به بهشت داخل می‌شود، و هر کس از من نافرمانی (و سرپیچی) کند او همان کسی است که خود از دخول به بهشت امتناع ورزیده است.

حدیث (۳)

(فضیلت بنده با تقوا و پرهیزگار که تقوای خود را از مردم پنهان کرده است)

سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه گوید: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعَبْدَ التَّقِيَّ الْغَنِيَّ الْحَفِيَّ». رواه مسلم^(۱).

خداوند بنده با تقوا و پرهیزگار که تقوای خود را از دیگران پنهان می‌کند و محتاج دیگران نیست را دوست دارد.

حدیث (۴)

(نهی از سوگند خوردن بر خدا)

جندب رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که مردی گفت: «وَاللَّهِ لَا يَغْفِرُ اللَّهُ لِفُلَانٍ وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ مَنْ ذَا الَّذِي يَتَأَلَّى عَلَيَّ أَنْ لَا أَغْفِرَ لِفُلَانٍ فَإِنِّي قَدْ غَفَرْتُ لِفُلَانٍ وَأَحْبَبْتُ عَمَلَكَ». رواه مسلم^(۲).

(۱) مسلم في الزهد والرقائق رقم (۲۹۶۵).

(۲) مسلم في البر والصلة رقم (۲۶۲۱).

سوگند بخدا که خدا فلانی را نمی‌بخشد، خداوند فرمود: این چه کسی است که بر من سوگند می‌خورد که فلانی را نمی‌بخشم!! من او را بخشیدم و عمل تو را نابود کردم.

حديث (۵)

(بر حق‌ترین مردم به نیکی)

أبوهريره رضي الله عنه گوید: مردی به نزد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: ای رسول خدا! «مَنْ أَحَقُّ النَّاسِ بِحُسْنِ صَحَابَتِي قَالَ أُمَّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ ثُمَّ أُمَّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ ثُمَّ أَبُوكَ» متفق علیه^(۱).

چه کسی بر حق‌ترین مردم به نیکی من است؟ فرمود: مادرت، آن مرد این جمله را سه بار تکرار کرد، و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در جواب می‌فرمود: مادرت، و در بار چهارم در جواب فرمود: پدرت.

حديث (۶)

(نهی کردن مرد که والدین خود را دشنام دهد)

عبدالله بن عمرو رضي الله عنه گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مَنْ أَكْبَرَ الْكَبَائِرِ أَنْ يُلْعَنَ الرَّجُلُ وَالِدَيْهِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَكَيْفَ يُلْعَنُ الرَّجُلُ وَالِدَيْهِ قَالَ يَسُبُّ الرَّجُلُ أَبَا الرَّجُلِ فَيَسُبُّ أَبَاهُ وَيَسُبُّ أُمَّهُ» رواه البخاري^(۲).

(۱) البخاري في الآداب رقم (۵۹۷۱) ومسلم في البر والصلة رقم (۲۵۴۸).

(۲) البخاري في الآداب رقم (۵۹۷۳).

از بزرگترین گناهان این است که مرد والدین خود را دشنام دهد، گفته شد: ای رسول خدا! چگونه والدین خود را دشنام دهد؟ فرمودند: مرد پدر دیگری را دشنام می‌دهد، و او در جواب پدرش آن مرد را دشنام می‌دهد، و او مادر آن مرد را دشنام می‌دهد، و او در جواب مادرش را دشنام می‌دهد.

حديث (۷)

(گناه قطع کننده صله رحمی)

جبیر بن مطعم رضی اللہ عنہ گوید: از رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم شنیدم که می‌فرماید: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ» متفق علیه^(۱).

آن کسی که پیوند فامیلی و خویشاوندی را از هم می‌گسلد، وارد بهشت نمی‌شود.

حديث (۸)

(برگرداندن نیکی برای پیوند و صله رحمی کافی نیست)

عبدالله بن عمرو رضی اللہ عنہما از پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم روایت می‌کند که فرمودند: «لَيْسَ الْوَاصِلُ بِالْمُكَافِيٍّ وَلَكِنْ الْوَاصِلُ الَّذِي إِذَا قُطِعَتْ رَحْمُهُ وَصَلَّهَا». رواه البخاري^(۲).
واصل (پیوند دهنده صله رحم) کسی نیست که در برابر ارتباط متقابل،

(۱) البخاري في الآداب رقم (۵۹۸۴) ومسلم في البر والصلة رقم (۲۵۵۶).

(۲) البخاري في الآداب رقم (۵۹۹۱).

ارتباط فامیلی را برقرار کند، اما واصل کسی است که هرگاه کسی پیوند خویشاوندی اش را قطع می کند او می رود و آن را برقرار کرده و وصل می کند.

حدیث (۹)

(نهی کردن از کسانی که در هدیه خود بازگشت میکنند)

عبدالله بن عباس رضی الله عنهما گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «الْعَائِدُ فِي هَبْتِهِ كَالْكَلْبِ يَقِيءُ ثُمَّ يَعُودُ فِي قَيْئِهِ». متفق علیه^(۱).
کسی که هبه اش را پس می گیرد، مانند سگی است که استفراغ می کند، سپس دوباره استفراغش را می خورد.

حدیث (۱۰)

(نیکوکاری و گناه)

نواس بن سمعان رضی الله عنه گوید که از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم درباره نیکوکاری و گناه پرسیدم آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «الْبِرُّ حُسْنُ الْخُلُقِ وَالْإِثْمُ مَا حَاكَ فِي صَدْرِكَ وَكَرِهْتَ أَنْ يَطَّلَعَ عَلَيْهِ النَّاسُ» رواه مسلم^(۲).
نیکوکاری، خوش اخلاقی است، و گناه ناراحتی است که در دل پدید می آید و

(۱) البخاري في الهبة رقم (۲۵۸۹) ومسلم في الوصايا والصدقة رقم (۱۶۲۲).

(۲) مسلم في البر والصلة رقم (۲۵۵۳).

دوست نداری مردم از آن آگاه شوند.

حديث (۱۱)

(مسلمان کسی است که مسلمان دیگر از اذیت او مصون باشد)

عبدالله بن عمرو رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمودند: «المُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ وَمُهَاجِرٍ مَنْ هَجَرَ مَا مَهَى اللَّهُ عَنْهُ» متفق علیه^(۱).
مسلمان کسی است که سایر مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند، و مهاجر (واقعی) کسی است که از آنچه خدا منع کرده است، هجرت نماید. (یعنی آنها را ترک کند).

حديث (۱۲)

(از خصلتهای ایمان گفتار نیک و مراعات حقوق همسایگان و میهمانان است)

أبوهریره رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمودند: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكَلِّمْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤْذِ جَارَهُ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ» متفق علیه^(۲).
کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، باید سخن نیک بگوید، یا خاموش و ساکت شود، و کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، باید همسایه خود را گرامی بدارد، و کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، میهمان نوازی کند.

(۱) البخاري في الإيمان رقم (۱۰) ومسلم في الإيمان رقم (۴۰).

(۲) البخاري في الآداب رقم (۶۰۱۸) ومسلم في الإيمان رقم (۴۸).

حديث (۱۳)

(ياری و کمک مؤمنين به يکديگر)

أبو موسى رضي الله عنه از رسول صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمودند: «الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا ثُمَّ شَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ وَكَانَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله و سلم جَالِسًا إِذْ جَاءَ رَجُلٌ يَسْأَلُ أَوْ طَالِبٌ حَاجَةً أَقْبَلَ عَلَيْنَا بِوَجْهِهِ فَقَالَ اشْفَعُوا فَلْتَوْجَرُوا وَلِيَقْضِ اللَّهُ عَلَي لِسَانِ نَبِيِّهِ مَا شَاءَ» متفق عليه^(۱).

مؤمن در همکاری با مؤمن مانند ساختمانی (استوار) است که برخی از آن برخی دیگر را محکم می سازد (و برای بیان حالت آن) ایشان صلی الله علیه و آله و سلم انگشتان خویش را در هم پنجه زدند، و در حالیکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بود مردی، یا صاحب حاجتی بر ما داخل شد طلب حاجتی نمود، آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: درباره همدیگر شفاعت کنید، و حاجت همدیگر را برطرف سازید، و خداوند آنچه خواهد بر زبان پیامرش جاری می نماید.

حديث (۱۴)

(قضاء حوائج مسلمانان)

أبو هريره رضي الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که: «مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَمَنْ يَسِّرْ عَلَى مُعْسِرٍ

(۱) البخاري في الآداب رقم (۶۰۲۷) ومسلم في البر والصلة رقم (۲۵۸۵).

يَسِّرُ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ» رواه مسلم^(۱).

کسی که از برادر مؤمن خود یک سختی و دشواری را در دنیا بر طرف کند، خداوند یک دشواری و سختی روز قیامت او را رفع می کند، و کسی که بر فقیر و بینوائی آسان بگیرد، خداوند در دنیا و آخرت بر او آسان خواهد گرفت، و کسی که بدی و زشتی مسلمانی را پنهان کند، خداوند در دنیا و آخرت، بدی و زشتی او را می پوشاند، (این زشتی و بدی برای کسانی که دارای کارها و مناصب بزرگ هستند می باشد، از قبیل امیران که به فساد مشهور نیستند و ممکن است اتفاقی آن را انجام داده باشند؛ البته در صورت انجام آن کار، ولی اگر در حال انجام زشتی دیده شود، باید منع شود، و اگر توانایی بازداشتن از آن کار زشت وجود نداشت، به فرمانروا و حاکم شهر شکایت نمود)، و خداوند در کمک و یاری بنده است هنگامی که بنده در کمک و یاری برادر مسلمانش می باشد.

حدیث (۱۵)

(حق مسلمان بر مسلمان دیگر)

أبو هريره رضي الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم روايت می کند که: «حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ سِتُّ قِيلَ مَا هُنَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِذَا لَقَيْتَهُ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَإِذَا دَعَاكَ فَأَجِبْهُ وَإِذَا

(۱) مسلم في الذكر والدعاء رقم (۲۶۹۹).

اسْتَنْصَحَكَ فَاَنْصَحْ لَهُ وَإِذَا عَطَسَ فَحَمِدِ اللَّهَ فَسَمَّيْتُهُ وَإِذَا مَرِضَ فَعُدُّهُ وَإِذَا مَاتَ فَاتَّبِعْهُ» رواه مسلم^(۱).

حق مسلمان بر مسلمان دیگر شش چیز است گفتند آن چیست؟ فرمود: اگر او را دیدی بر او سلام کن، و اگر تو را دعوت کرد، دعوت او را اجابت کن، و اگر از تو درخواست نصیحت نمود، او را نصیحت کن، و اگر عطسه زد و الحمد لله گفت، به او جواب ده (یعنی بگو: یرحمک الله) خدا تو را رحم کند، و اگر مریض شد، او را عیادت کن، و اگر فوت نمود، جنازه او را تشییع کن.

حديث (۱۶)

(برادری اسلام و حقوق مسلمان)

أبوهريره رضي الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم روايت می کند که فرمودند: «لَا تَحَاسَدُوا وَلَا تَنَاجَشُوا وَلَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَلَا يَبِعْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ وَلَا يَحْقِرُهُ التَّقْوَى هَاهُنَا وَيُشِيرُ إِلَى صَدْرِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ بِحَسَبِ أَمْرٍ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَمَالُهُ وَعَرَضُهُ». متفق عليه^(۲).

(۱) مسلم في الآداب رقم (۲۱۶۲).

(۲) البخاري في الآداب رقم (۶۰۶۴) ومسلم في البر والصلة رقم (۲۵۶۴).

شما مسلمانان به یکدیگر حسد نوزید، به زیان یکدیگر سازش نکنید، و به یکدیگر بغض و کینه نوزید، و به همدیگر پشت نکنید، و هیچ یک از شما بر فروش دیگری نفروشد، بندگان خدا، و برادران همدیگر باشید، مسلمان برادر مسلمان است، به برادر خود ستم نمی‌کند، دست از یاری و کمک او نمی‌کشد، او را تکذیب نمی‌کند، او را خوار و ذلیل نمی‌شمارد، این تقوا و پرهیزکاری است - و سه بار به سینه‌اش اشاره فرمود - برای انسان همین کافی است که برادر مسلمان خویش را حقیر و کوچک شمارد، خون و مال و شرف و ناموس هر مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است.

حدیث (۱۷)

(نهی از قهر کردن بیش از سه روز)

أبو أيوب الأنصاري رضي الله عنه عن رسول الله ﷺ روايت مي‌کند که فرمودند: «لَا يَحِلُّ لِرَجُلٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثِ لَيَالٍ يَلْتَقِيَانِ فَيُعْرِضُ هَذَا وَيُعْرِضُ هَذَا وَخَيْرُهُمَا الَّذِي يَبْدَأُ بِالسَّلَامِ» متفق عليه^(۱).

برای هیچ مسلمانی جایز نیست که بیش از سه روز از برادرش قهر کند، و وقتی که با یکدیگر برخورد می‌کنند هر یک از دیگری روی‌گردان می‌شود، و بهترین این دو همان است که ابتدا سلام می‌کند.

(۱) البخاري في الآداب رقم (۶۰۷۷) ومسلم في البر والصلة رقم (۲۵۶۰).

حديث (۱۸)

(سواره بر نشسته. و افراد کم بر افراد بسیار سلام می‌کنند)

أبوهريره رضي الله عنه روايت مي‌کند که رسول الله صلى الله عليه وآله فرمودند: «يُسَلِّمُ الرَّاَكِبُ عَلَى الْمَاشِي وَالْمَاشِي عَلَى الْقَاعِدِ وَالْقَلِيلُ عَلَى الْكَثِيرِ». متفق عليه^(۱).

سواره بر پیاده، پیاده بر نشسته، جمعیت کم بر جمعیت زیاد، و کوچک بر بزرگ سلام می‌کند.

حديث (۱۹)

(سلام بر شناخت و غیر شناخت است)

عبدالله بن عمرو رضي الله عنه گوید مردی از رسول الله صلى الله عليه وآله پرسید: «أَيُّ الْإِسْلَامِ خَيْرٌ قَالَ تُطْعِمُ الطَّعَامَ وَتَقْرَأُ السَّلَامَ عَلَى مَنْ عَرَفْتَ وَمَنْ لَمْ تَعْرِفْ». متفق عليه^(۲).

مردی از رسول الله صلى الله عليه وآله پرسیدند: چه اسلامی بهتر است؟ فرمود: به مردم خوراک دادن، و بر مردم سلام کردن، چه او را بشناسی، و چه او را نشناسی.

حديث (۲۰)

(مستحب است با چهره باز و روی خوش برخورد کنی)

أبوذر رضي الله عنه از رسول الله صلى الله عليه وآله روايت مي‌کند که فرمودند: «لَا تَحْقِرَنَّ مِنَ الْمَعْرُوفِ شَيْئًا وَلَوْ أَنْ تَلْقَى أَحَاكَ بِوَجْهِ طَلْقٍ». رواه مسلم^(۳).

(۱) البخاري في الاستئذان رقم (۶۲۳۳) ومسلم في الآداب رقم (۲۱۶۰).

(۲) البخاري في الاستئذان رقم (۶۲۳۶) ومسلم في الإيمان رقم (۳۹).

(۳) مسلم في البر والصلة رقم (۲۶۲۶).

هیچ چیزی را از عمل نیک و خیر (و معروف آنچه که پسندیده است) را کوچک
مشمار هر چند که با برادر مسلمانان با چهره باز و روی خوش برخورد کنی.

حدیث (۲۱)

(تشویق بر راستگویی و نهی از دروغگویی)

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمودند: «عَلَيْكُمْ
بِالصِّدْقِ فَإِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ
يَصْدُقُ وَيَتَحَرَّى الصِّدْقَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ صَدِيقًا وَإِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ
يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَكْذِبُ وَيَتَحَرَّى
الْكَذِبَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ كَذَابًا» متفق عليه^(۱).

به راستگویی و راستکرداری و صداقت چنگ بزنید، به تحقیق که صداقت
و راستی به بر و نیکی رهنمود می سازد و نیکی و بر به سوی بهشت رهنمون
می سازد. و هر فرد که همچنان راست می گوید و بدنبال راستی می باشد و در
مسیر آن تلاش و کوشش می نماید تا آنکه نزد خدا از گروه راستگویان و
صادقان محسوب می گردد. از دروغگویی و فریبکاری پرهیزید و دوری
نمایید زیرا دروغ به سوی کارهای بد و زشت رهنمون می سازد و فجور و
زشتی به سوی آتش جهنم رهنمون می سازد و هر فرد که همچنان دروغ

(۱) البخاري في الآداب رقم (۶۰۹۴) ومسلم في البر والصلوة رقم (۲۶۰۷).

می گوید و در مسیر آن حرکت کرده و تلاش می نماید تا آنکه نزد خداوند متعال از گروه دروغگویان و فریبکاران محسوب می گردد.

حديث (۲۲) (نشانه های منافق)

أبوهريره رضي الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمودند: «آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا أُمِّنَ خَانَ» متفق عليه^(۱).
نشانه منافق، سه چیز است: اول اینکه در صحبت های خود، دروغ می گوید، دوم اینکه خلاف وعده عمل می کند، سوم اینکه در امانت خیانت می کند.

حديث (۲۳) (حفظ زبان)

سهل بن سعد رضي الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمودند: «مَنْ يَضْمَنْ لِي مَا بَيْنَ لِحْيَتِهِ وَمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ أَضْمَنْ لَهُ الْجَنَّةَ» رواه البخاري^(۲).
هرکس بین دو ریش خود (یعنی زبان) و بین دو پایش (یعنی شرمگاهش) برایم ضمانت کند و آنرا حفظ نماید، من بهشت را برایش ضمانت می شوم.

(۱) البخاري في الإيمان رقم (۳۳) ومسلم في الإيمان رقم (۵۹).

(۲) البخاري في الرقاق رقم (۶۴۷۴).

حديث (۲۴) (تعريف غيبت)

أبو هريره رضي الله عنه روايت مي كند كه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: «أَتَدْرُونَ مَا الْغَيْبَةُ قَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ ذِكْرُكَ أَخَاكَ بِمَا يَكْرَهُ قِيلَ أَفَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ فِي أَخِي مَا أَقُولُ قَالَ إِنْ كَانَ فِيهِ مَا تَقُولُ فَقَدْ اغْتَبْتَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ فَقَدْ بَهْتَهُ» رواه مسلم^(۱).

آيا مي دانيد غيبت و پشت سر ديگران حرف زدن چيست؟ گفتند: خدا و رسول خدا داناترند . فرمود: ياد كردن برادرت به آنچه كه او دوست ندارد غيبت است . گفته شد: اگر آنچه در باره برادرم مي گويم در او باشد هم غيبت است؟ فرمود: ياد كردن برادرت به آنچه كه در او هست، غيبت است، و اگر به آنچه كه در او نيست او را ياد كني به او بهتان زده اي.

حديث (۲۵) (نهي از نهميه و سخن چيني)

حذيفه بن اليمان رضي الله عنه گوید: شنيدم كه پيامبر صلى الله عليه وآله وسلم مي فرمايد: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَتَّاتٌ» متفق عليه^(۲). القتات: سخن چين.
سخن چين و خبركش به بهشت نخواهد رفت.

(۱) مسلم في البر والصلة رقم (۲۵۸۹).

(۲) البخاري في الآداب رقم (۶۰۵۶). ومسلم في البر والصلة رقم (۱۰۵).

حديث (۲۶)**(نهی از دشنام دادن و لعنت کردن)**

أبوذر رضي الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شنید که می فرماید: «لَا يَرْمِي رَجُلٌ رَجُلًا بِالْفُسُوقِ وَلَا يَرْمِيهِ بِالْكَفْرِ إِلَّا أَرْتَدَّتْ عَلَيْهِ إِنْ لَمْ يَكُنْ صَاحِبَهُ كَذَلِكَ» رواه البخاري^(۱).

کسی که دیگری را به فسق و کفر متهم می سازد، اگر آن شخص چنین نباشد، فسق و کفرش بر خودش بر می گردد.

حديث (۲۷)**(نهی از دشنام دادن مردگان)**

عائشه رضي الله عنها گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «لَا تَسُبُّوا الْأَمْوَاتَ فَإِنَّهُمْ قَدْ أَفْضَوْا إِلَى مَا قَدَّمُوا» رواه البخاري^(۲).

به مردگان ناسزا نگوئید، زیرا آنان به نتیجه اعمالشان رسیده اند.

حديث (۲۸)**(دوری و اجتناب از خشم و غضب)**

أبوهريره رضي الله عنه گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرَعَةِ إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ» متفق عليه^(۳).

(۱) البخاري في الآداب رقم (۶۰۴۵).

(۲) البخاري في الجنائز رقم (۱۳۹۳).

(۳) البخاري في الآداب رقم (۶۱۱۴) ومسلم في البر والصلة من حديث ابن مسعود رقم (۲۶۰۸).

پهلوانی در غلبه کردن بر دیگران نیست، بلکه پهلوانی آن است که هنگام خشم و غضب، بر خود غلبه کند و از خشم خود بکاهد.

حديث (۲۹)

(اگر حیا نداشتی هر چه خواستی بکن)

أبو مسعود الأنصاري رضي الله عنه گوید رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ مِمَّا أَدْرَكَ النَّاسُ مِنْ كَلَامِ النَّبِيِّ الْأُولَى إِذَا لَمْ تَسْتَحْيِ فَأَصْنَعْ مَا شِئْتَ» رواه البخاري^(۱).
آن چه مردم از سخن پیامبران پیشین دریافتند: هرگاه شرم و حیا نداشتی، هر چه خواستی بکن.

حديث (۳۰)

(حیا بخشی از ایمان است)

عبدالله بن عمر رضي الله عنهما می گوید: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَرَّ عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ وَهُوَ يَعِظُ أَخَاهُ فِي الْحَيَاءِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله دَعَاهُ فَإِنَّ الْحَيَاءَ مِنَ الْإِيمَانِ» متفق عليه^(۲).

روزی رسول الله صلی الله علیه و آله از کنار یک مرد انصاری می گذشت که برادرش را در مورد شرم و حیا نصیحت می کرد (و می گفت که شرم و حیاءت را کمتر کن) آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود: در باره کم کردن شرم و حیا او را پند مده، زیرا حیا بخشی از ایمان است.

(۱) البخاري في الآداب رقم (۶۱۲۰).

(۲) البخاري في الإيمان رقم (۲۴). ومسلم في الإيمان رقم (۵۹).

حديث (۳۱) (نرم رفتاری)

عائشه رضي الله عنها از رسول الله صلى الله عليه وآله روایت می‌کند که فرمودند: «إِنَّ الرَّفْقَ لَا يَكُونُ فِي شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ وَلَا يُنْزَعُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ». رواه مسلم^(۱).

رفتار نرم در چیزی نخواهد بود مگر اینکه آن چیز را آرایش و زینت می‌دهد، و از چیزی گرفته و برداشته نشود مگر اینکه آن چیز را بد و عیب دار می‌کند.

حديث (۳۲) (نهی از کبر و غرور)

عبدالله بن مسعود رضي الله عنه از رسول الله صلى الله عليه وآله روایت می‌کند که فرمودند: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ قَالَ رَجُلٌ إِنَّ الرَّجُلَ يُحِبُّ أَنْ يَكُونَ ثَوْبُهُ حَسَنًا وَنَعْلُهُ حَسَنَةً قَالَ إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ الْكِبَرُ بَطْرٌ الْحَقُّ وَغَمَطٌ النَّاسِ» رواه مسلم^(۲).

کسیکه در قلب او مثقالی از یک اندک از کبر و غرور باشد وارد بهشت نمی‌شود، یکی از یاران سؤال کرد: ای پیامبر فردی دوست دارد لباس او خوب و زیبا باشد، و همچنین کفش و پاپوش او زیبا و قشنگ باشد!

(۱) مسلم في البر والصلة رقم (۲۵۹۴).

(۲) مسلم في الإيمان رقم (۹۱).

آنحضرت فرمودند: خداوند زیبا و قشنگ است، و زیبایی و قشنگی را دوست دارد، کبر و غرور ناخشنودی و عدم رضایت از حق و تحقیر مردم و ناچیز شمردن مردم است.

حديث (۳۳)

(آنچه از مدح و ثنا مکروه است)

أبو بکره رضی اللہ عنہ روایت می کند که: «أَنَّ رَجُلًا ذُكِرَ عِنْدَ النَّبِيِّ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فَأَثْنَى عَلَيْهِ رَجُلٌ خَيْرًا فَقَالَ النَّبِيُّ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم وَيْحَكَ قَطَعْتَ عُنُقَ صَاحِبِكَ يَقُولُهُ مِرَارًا إِنْ كَانَ أَحَدُكُمْ مَادِحًا لَا مَحَالَةَ فَلْيَقُلْ أَحْسِبُ كَذَا وَكَذَا إِنْ كَانَ يُرَى أَنَّهُ كَذَلِكَ وَحَسِيبُهُ اللَّهُ وَلَا يُزَكِّي عَلَى اللَّهِ أَحَدًا» متفق عليه^(۱).

مردی نزد رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم بر مدح و ثنای دیگری بود، رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمود: وای بر تو گردن او را قطع کردی و بریدی - و چند بار این جمله را تکرار کرد - اگر یکی از شما به مدح و ثنای کسی اجبار دارد، پس بگوید: به گمانم چنین و چنان است، و اگر دید که آن شخص در حقیقت مردی خوبی است، بگوید: إن شاء الله آن شخص چنین است، و حساب او نزد خداست، و بر خدا هیچ کس را تزکیه و برتری نمی دهد.

(۱) البخاري في الآداب رقم (۶۰۶۱) ومسلم في الزهد والرفائق (۳۰۰۰).

حديث (۳۴)

(مؤمن عيب خود را می پوشاند)

أبوهريره رضي الله عنه گوید: شنیدم رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید: «كُلُّ أُمَّتِي مُعَافٍ إِلَّا الْمُجَاهِرِينَ وَإِنَّ مِنَ الْمُجَاهِرَةِ أَنْ يَعْمَلَ الرَّجُلُ بِاللَّيْلِ عَمَلًا ثُمَّ يُصْبِحَ وَقَدْ سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ فَيَقُولُ يَا فَلَانُ عَمِلْتُ الْبَارِحَةَ كَذَا وَكَذَا وَقَدْ بَاتَ يَسْتُرُهُ رَبُّهُ وَيُصْبِحُ يَكْشِفُ سِتْرَ اللَّهِ عَنْهُ» متفق عليه^(۱).

تمامی امت من در خیر و عافیت است مگر کسی که گناهانش را برای مردم آشکار نماید، و از دیوانگی آن است که فردی در شب کار (بدی) کرده باشد، و خداوند آن کار را بر او ستر کرده و پوشانده باشد، ولی خودش آمده و آنرا بازگو می کند که ای فلانی من دیشب چنین و چنان کردم، در حالیکه خداوند در شب عیب او را پوشانده بود، و او در صبح آمده و آنرا آشکار می کند.

حديث (۳۵)

(آنچه پائین تر از کعب باشد در آتش است)

أبوهريره رضي الله عنه گوید: رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «مَا أَسْفَلَ مِنَ الْكَعْبَيْنِ مِنَ الْإِزَارِ فِي النَّارِ» رواه البخاري^(۲).

(۱) البخاري في الآداب رقم (۶۰۶۹) ومسلم في الزهد والرفائق رقم (۲۹۹۰).

(۲) البخاري في اللباس رقم (۵۷۸۷).

آنچه از لباسها پائين تر از كعب (بجلك) و قوزك پا باشد، روز قيامت آن مقدار در آتش جهنم خواهد بود.

حديث (۳۶)

(حق راه را مراعات كنيد)

أبوسعيد الخدرى رضي الله عنه گوید: رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: «إِيَّاكُمْ وَالْجُلُوسَ عَلَى الطُّرُقَاتِ فَقَالُوا مَا لَنَا بُدٌّ إِنَّهَا هِيَ مَجَالِسُنَا نَتَحَدَّثُ فِيهَا قَالَ فَإِذَا أَبَيْتُمْ إِلَّا الْمَجَالِسَ فَأَعْطُوا الطَّرِيقَ حَقَّهَا قَالُوا وَمَا حَقُّ الطَّرِيقِ قَالَ غَضُّ الْبَصَرِ وَكَفُّ الْأَذَى وَرَدُّ السَّلَامِ وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ». متفق عليه^(۱).

از نشستن در معابر عمومی اجتناب کنید، مردم گفتند: یا رسول الله! چاره ای جز این نداریم زیرا آنجا، محل نشستن و سخن گفتن ما است، رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: اگر چاره‌ای جز این ندارید، پس حق راه را مراعات کنید، پرسیدند: یا رسول الله! حق راه چیست؟ فرمود: حافظت چشمها، اذیت نکردن عابران، جواب دادن سلام و امر به معروف و نهی از منکر.

(۱) البخاري في المظالم رقم (۲۴۶۵) ومسلم في الآداب رقم (۲۱۶۱).

حديث (۳۷)

(جایز بودن مناجات اگر بیش از سه نفر باشد)

عبدالله بن مسعود رضي الله عنه از رسول الله صلى الله عليه وآله روایت می کند که فرمودند: «إِذَا كُنْتُمْ ثَلَاثَةً فَلَا يَتَنَاجَى رَجُلَانِ دُونَ الْآخَرِ حَتَّى تَخْتَلِطُوا بِالنَّاسِ أَجَلَ أَنْ يُحْزِنَهُ». متفق عليه^(۱).

اگر سه نفر بودید، نباید دو نفر با هم رازگوئی و مناجات کنند، و سومی را ترک کنند، تا اینکه با مردم در هم داخل شوید (یعنی بیش از سه نفر باشید)، چون این امر او را (فرد سومی) را اندوهگین می نماید.

حديث (۳۸)

(باز کردن جا در مجالس)

عبدالله بن عمر رضي الله عنه روایت می کند که رسول الله صلى الله عليه وآله فرمودند: «لَا يُقِيمُ الرَّجُلُ الرَّجُلَ مِنْ مَقْعَدِهِ ثُمَّ يَجْلِسُ فِيهِ وَلَكِنْ تَفَسَّحُوا وَتَوَسَّعُوا». متفق عليه^(۲).

نباید کسی دیگری را از جایش بلند سازد تا خود در جای او بنشیند، ولیکن جای را باز کنید، و یا بین خود گشایش و وسعت دهید (و کمی تنگتر بنشینید).

(۱) البخاري في الاستئذان رقم (۶۲۸۸) ومسلم في الآداب رقم (۲۱۸۴).

(۲) البخاري في الاستئذان رقم (۶۲۷۰) ومسلم في الآداب (۲۱۷۷).

حديث (۳۹)

(اجازه خواستن بخاطر نگاه چشم است)

سهل بن سعد رضي الله عنه روایت می کند که: «اطَّلَعَ رَجُلٌ مِنْ جُحْرِ فِي حُجْرِ النَّبِيِّ صلی الله علیه وآله وَمَعَ النَّبِيِّ صلی الله علیه وآله مَدْرَى يَحُكُّ بِهِ رَأْسَهُ فَقَالَ لَوْ أَعْلَمُ أَنَّكَ تَنْظُرُ لَطَعَنْتُ بِهِ فِي عَيْنِكَ إِنَّمَا جُعِلَ الْإِسْتِئْذَانُ مِنْ أَجْلِ الْبَصْرِ». متفق عليه^(۱).

مردی از سوراخی که در حجره های پیامبر صلی الله علیه وآله بود به داخل نگاه می کرد، و در این وقت در دست پیامبر صلی الله علیه وآله (مدری) شانه آهنینی بود که سر خود را با آن می خارانید، آنحضرت صلی الله علیه وآله فرمود: اگر می دانستم که تو به داخل خانه نگاه می کنی، این شانه را در چشمت فرو می بردم. اجازه خواستن برای همین است که شخص نگاه نکند.

حديث (۴۰)

(در امور دنیا بایستی به کسانی که از او فقیرتر و عاجزتر اند نگاه کرد)

أبوهريره رضي الله عنه از رسول الله صلی الله علیه وآله روایت می کند که فرمودند: «إِذَا نَظَرَ أَحَدُكُمْ إِلَى مَنْ فَضَّلَ عَلَيْهِ فِي الْمَالِ وَالْخَلْقِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ أَسْفَلَ مِنْهُ». متفق عليه^(۲).

هرگاه یکی از شما به کسی که خداوند به او در مال ثروت، و در خلقت زیبایی عطا فرموده بنگرد، پس به کسی که از خود فقیرتر و عاجزتر و زشت تر

(۱) البخاري في الاستئذان رقم (۶۲۴۱) ومسلم في الآداب رقم (۲۱۵۶).

(۲) البخاري في الرقاق رقم (۶۴۹۰) ومسلم في الزهد والرقائق رقم (۲۹۶۳).

است نگاه کند.

حديث (۴۱)

(بسم الله گفتن نزد خوردن. و با دست راست خوردن)

عمر بن أبي سلمه رضي الله عنه گوید: «كُنْتُ غُلَامًا فِي حَجْرِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَكَانَتْ يَدِي تَطِيئُ فِي الصَّحْفَةِ فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا غُلَامُ سَمِّ اللَّهَ وَكُلْ بِيَمِينِكَ وَكُلْ مِمَّا يَلِيكَ فَمَا زَالَتْ تِلْكَ طِعْمَتِي بَعْدُ». متفق عليه^(۱).

عمر بن أبي سلمه رضي الله عنه گوید: پسر بچه‌ای بودم در تربیت رسول الله ﷺ و دستم در صینی خوراک می‌گشت، رسول الله ﷺ فرمود: ای غلام خدا را یاد کن (بسم الله بگو) و با دست راست خود بخور، و از جلو خود بخور. و بعد از این همچنان بودم که رسول الله ﷺ به من دستور داد.

حديث (۴۲)

(لیساندن انگشتان)

عبدالله بن عباس رضي الله عنه گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلَا يَمْسُحُ يَدَهُ حَتَّى يَلْعَقَهَا أَوْ يُلْعِقَهَا». متفق عليه^(۲).

هرگاه یکی از شما خوراکی را خورد پنجه‌های خود را پاک و تمیز نکند تا اینکه او را بلیساند یا لیسانیده شود.

(۱) البخاري في الأطعمة رقم (۵۳۷۶) ومسلم في الأطعمة رقم (۲۰۲۲).

(۲) البخاري في الأطعمة رقم (۵۴۵۶) ومسلم في الأطعمة رقم (۲۰۳۱).

حديث (۴۳)

(خوردن و آشامیدن با دست راست)

عبدالله بن عمر رضي الله عنهما گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَأْكُلْ بِيَمِينِهِ وَإِذَا شَرِبَ فَلْيَشْرَبْ بِيَمِينِهِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ وَيَشْرَبُ بِشِمَالِهِ» رواه مسلم^(۱).

هرگاه یکی از شما خواست بخورد با دست راست خود بخورد، و هرگاه خواست بنوشد، با دست چپ خود بنوشد، زیرا شیطان با دست چپ می خورد، و با دست چپ می نوشد.

حديث (۴۴)

(نوشیدن در حال ایستادن مکروه است)

أبو هريره رضي الله عنه گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «لَا يَشْرَبَنَّ أَحَدٌ مِنْكُمْ قَائِمًا» رواه مسلم^(۲).

هیچ یک از شما در حال ایستادن نیشامد.

(۱) مسلم في الأئمة رقم (۲۰۲۰).

(۲) مسلم في الأشربة رقم (۲۰۲۶).

حديث (۴۵)

**(هرگاه کفشی را پوشید از راست شروع کند
و هرگاه آنرا بیرون آورد. از چپ شروع کند)**

أبوهريره رضي الله عنه گوید: رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: «إِذَا أَنْتَعَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِالْيُمْنَى وَإِذَا خَلَعَ فَلْيَبْدَأْ بِالشَّمَالِ وَلْيُنْعِلْهُمَا جَمِيعًا أَوْ لِيَخْلَعْهُمَا جَمِيعًا» متفق عليه^(۱).

هرگاه یکی از شما کفش به پا کند اول از راست شروع کند، و آنگاه که از پا بیرون می‌آورد از چپ شروع کند، اول باید پای راست کفش شود، و آخر هم آن، از پا در آورده شود.

و یا هر دو را کفش بپوشد. یا هر دو پا را برهنه کند.

حديث (۴۶)

(آنچه در عطسه مستحب. و در خمیازه ناپسند است)

أبوهريره رضي الله عنه گوید رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعُطَّاسَ وَيَكْرَهُ التَّأَوُّبَ فَإِذَا عَطَسَ أَحَدُكُمْ وَحَمِدَ اللَّهَ كَانَ حَقًّا عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ سَمِعَهُ أَنْ يَقُولَ لَهُ يَرْحَمَكَ اللَّهُ وَأَمَّا التَّأَوُّبُ فَإِنَّهَا هُوَ مِنَ الشَّيْطَانِ فَإِذَا تَنَاءَبَ أَحَدُكُمْ فَلْيُرِدْهُ مَا اسْتَطَاعَ فَإِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا تَنَاءَبَ ضَحِكَ مِنْهُ الشَّيْطَانُ» رواه البخاري^(۲).

خداوند حکیم، عطسه را دوست داشته و خمیازه را ناپسند می‌داند. بنابر

(۱) البخاري في اللباس رقم (۵۸۵۵، ۵۸۵۶) ومسلم في اللباس والزينة رقم (۲۰۹۷).

(۲) البخاري في الآداب رقم (۶۲۲۳).

این هرگاه یکی از شما عطسه زده و الحمد لله بگوید، بر هر مسلمانی که «الحمد لله»، را می شنود واجب است (سزاوار است) که به او بگوید: یرحمک الله، اما این را بدانید، که خمیازه از جانب شیطان است، بدین خاطر هر یک از شما که خمیازه بر او غلبه کند، تا آنجا که می تواند آن را دفع و رد کند، زیرا هر یک از شما که خمیازه می کشد، شیطان به خاطر این عملش به او می خندد و مسخره اش می کند.

حديث (۴۷)

(آداب دیدن خواب)

أبو سعيد الخدري رضي الله عنه عن رسول الله ﷺ شنید که فرمودند: «إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ رُؤْيَا يُحِبُّهَا فَإِنَّهَا هِيَ مِنْ اللَّهِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَيْهَا وَلْيُحَدِّثْ بِهَا وَإِذَا رَأَى غَيْرَ ذَلِكَ مِمَّا يَكْرَهُ فَإِنَّهَا هِيَ مِنَ الشَّيْطَانِ فَلْيَسْتَعِذْ مِنْ شَرِّهَا وَلَا يَذْكُرْهَا لِأَحَدٍ فَإِنَّهَا لَا تَضُرُّهُ». متفق عليه^(۱).

اگر یکی از شما خوابی دید که میل داشت بقیه را از آن آگاه کند، آن خواب از خداست، بنابراین باید خدا را سپاس گوید و دیگران را از آن با خبر سازد، ولی اگر غیر آن بود و کراهت داشت، آن خواب از شیطان است و باید از شر آن به خدا پناه برد و کسی را از آن خبر ندهد که به او ضرر و زیانی نخواهد رسید.

(۱) البخاري في التعبير رقم (۶۹۸۵) ومسلم من حديث أبي قتادة في الرؤيا رقم (۲۲۲۶).

حديث (۴۸)

(كسيكه در خواب ديدن دروغ بگويد)

عبدالله بن عباس رضي الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روايت می کند که فرمودند: «مَنْ تَحَلَّمَ بِحُلْمٍ لَمْ يَرَهُ كُفًّا أَنْ يَعْقِدَ بَيْنَ شَعِيرَتَيْنِ وَلَنْ يَفْعَلَ وَمَنْ اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ أَوْ يَفْرُونَ مِنْهُ صُبَّ فِي أُذُنِهِ الْأَنْكُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ صَوَّرَ صُورَةً عُدْبَ وَكُفًّا أَنْ يَنْفُخَ فِيهَا وَلَيْسَ بِنَافِخٍ». رواه البخاري^(۱).

هر کس به دروغ خوابی را بازگو کند، مکلف می شود تا بین دو دانه جو با هم گره زند، در حالیکه نمی تواند آنرا انجام دهد، و هر کس به سخن و گفتار قومی گوش دهد که ایشان آنرا ناپسند می دانند، روز قیامت سرب مذاب شده در گوشش می ریزند، و هر کس عکسی را نقاشی کند، مکلف می شود تا در آن روح بدمد، در حالیکه نمی تواند آنرا انجام دهد.

حديث (۴۹)

(در دعا کردن عزم و اراده کند چون برای خدا ناپسند نیست)

أبو هريره رضي الله عنه گوید رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي إِنْ شِئْتَ، اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي إِنْ شِئْتَ، لِيَعْزِمَ الْمَسْأَلَةَ فَإِنَّهُ لَا مُكْرَهَ لَهُ». متفق عليه^(۲).

(۱) البخاري في التعبير رقم (۷۰۴۲).

(۲) البخاري في الدعوات رقم (۶۳۳۸) ومسلم في الدعاء رقم (۲۶۷۹).

هیچ یک از شما نگوید: خدایا! اگر خواستی به من رحم کن، پروردگارا! اگر خواستی از گناهان و تقصیراتم درگذر؛ بلکه در دعا کردن عزم و اراده کند، زیرا خواهش تو، برای خداوند ناپسند نیست.

حدیث (۵۰) (سید الاستغفار)

شداد بن اوس رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمودند: «سَيِّدُ
الِاسْتِغْفَارِ أَنْ تَقُولَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَنَا عَلَى
عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ
وَأَبُوءُ لَكَ بِذُنُوبِي فَاعْفُرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ قَالَ وَمَنْ قَالَهَا مِنَ النَّهَارِ
مُوقِنًا بِهَا فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ قَبْلَ أَنْ يُمْسِيَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَمَنْ قَالَهَا مِنَ اللَّيْلِ وَهُوَ
مُوقِنٌ بِهَا فَمَاتَ قَبْلَ أَنْ يُصْبِحَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ». رواه البخاري^(۱).

خدایا! تو پروردگار منی. معبودی به حق مگر تو که مرا آفریدی، نیست. و من بنده تو هستم و تا جایی که بتوانم به پیمان و وعده تو پایدارم. از شر آن چه انجام داده‌ام، به تو پناه می‌برم. از نعمت تو بر خود آگاهم و به گناهانم اعتراف دارم. مرا هرآینه بیامرز؛ زیرا جز تو کسی آمرزنده نیست.

(۱) البخاري في الدعوات رقم (۶۳۰۶).

هر کس در هنگام روز، این دعا را به طور یقین بگوید و پیش از آغاز شب بمیرد، از اهل بهشت است، و کسی که آن را شب از روی یقین بگوید و پیش از صبح بمیرد، از اهل بهشت است.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه وسلم تسلیماً کثیراً.